



تکانه‌هایی برای حرکت دورانی

«احمد شریف‌پور»

جایز دقیقاً همین بود. او هر بار نیاز جدیدی را در مصرف‌کنندگان ایجاد می‌کرد. به گفته خودش لازم نیست کاربران بدانند که چه می‌خواهند. نیاز جدید برای آن‌ها تعریف خواهد شد و او بهترین هرکس دیگری با سکوتش، با سخنرانی‌هایش و با تبلیغات هنرمندانه‌اش به همه کاربران القا می‌کرد که این نیاز جدید حیاتی‌ترین نیاز آن‌ها است. در حالی که محصول جدید در عمل نیاز جدیدی را برآورده نمی‌کرد و حتی شاخص سرعت یا کیفیت برآورده شدن نیازها را نیز چندان جابه‌جا نمی‌کرد و این نیز یکی دیگر از اصول اساسی گردش چرخ است: همه چیز باید در ظاهر زیر و رو شود تا لازم نباشد در باطن چیزی را تغییر دهید.

تناقض

خنده‌دارترین که کسانی که برای خرید آی‌فون، که یکی از شکیل‌ترین و زیباترین نمادهای این نظام اقتصادی است؛ روزها در صف‌های طولی می‌ایستند، عصر همان روز با آی‌فون‌هایشان درباره حمایت از جنبش اشغال وال استریت توییت کرده و بلاگ هوا می‌کنند. جنبشی که هدف اصلی آن متوقف کردن همان چرخ است که در دورانی دائمی این محصولات جدید را عرضه می‌کند و به صورت متقابل از عرضه آن‌ها سود می‌برد و شتاب می‌گیرد. من نه می‌توانم به این حس طبیعی کمال‌گرایی و زیبایی خواهی انسان‌ها ایرادی بگیرم و نه در حد و اندازه‌های سواد اقتصادی دارم که بخواهم درباره نظام سرمایه‌داری نظر بدهم و نه حتی دوست دارم با تعصب و برای شناساندر خلاف جهت رودخانه، هنرها و ارزش‌هایش را زیر سؤال ببرم. تنها هدف من از طرح چنین موضوعی این بود که، «دانسته» از چرخش این گردونه عظیم اقتصادی و محصولات آن لذت ببرید.

گرفته تا IT و حمل و نقل باید سهم خود را در تأمین انرژی لازم برای گردش این چرخ ادا کنند. پس کاملاً طبیعی است که با چنین سازوکاری، درگذشت استیو جابز که یکی از مهره‌های کلیدی تأمین نیرو در حوزه IT بوده و بخش عظیمی از اینرسی حرکتی آن را تأمین می‌کند، چنین واکنش شدیدی را برانگیزد. اما در عوض تاریخ مصرف «ریچی» دیگر گذشته بود. او در زمان خودش نیروی عظیمی را به این سیستم تزریق کرده و سهمش را برای چندین سال پس از خود ادا کرده و البته به همان میزان هم ارج و قرب نصیبش شده بود. اما اکنون دیگر تأثیری در گردش و حرکت آن نداشت. دیگر نبود و نبود او سرعت چرخ را کم و زیاد نمی‌کرد و درست به همین دلیل است که درگذشت او واکنشی جز در حد ادای دین دوستان و آشنایان بر نمی‌انگیزد.

نکته دیگری که آی‌فون 4S را هم به این ماجرا ربط می‌دهد و ارزش جابز را بیش از پیش آشکار می‌سازد، ایجاد نیاز است. برای گردش این چرخ باید پول به سیستم تزریق شود. برای کسب درآمد و تأمین این پول محصولی باید فروخته شود و برای فروخته شدن محصول، باید نیازی در کاربران وجود داشته باشد تا برای برطرف کردن آن نیاز هزینه‌ای صرف‌کنند. هنر جابز این بود که این نیاز را (هر چند کاذب) برای کاربران ایجاد می‌کرد. به آی‌فون 4S برگردیم. دوربین نسبت به نسخه قبلی بهتر شده، مشکلات آنتن‌دهی برطرف شده، قدرت پردازشی چندبرابر شده و یک منشی هوشمند سخنگو به گوشی اضافه شده است. اما واقعاً شما به تمام این‌ها نیاز دارید؟ هیچ یک از این پیشرفت‌ها تغییری بنیادین محسوب نمی‌شود، اما می‌بینیم که عده زیادی مدت مدیدی در صف می‌ایستند تا زودتر از بقیه این نیاز تازه‌شان را برآورده کنند و هنر

می‌دانم که دیگر گوش‌های شما از شنیدن اخبار مربوط به درگذشت یکی از خلاق‌ترین و بهترین و فعال‌ترین و... افراد دنیای IT، پر شده است. می‌دانم برخی از واکنش رهبر جبهه نرم‌افزار آزاد به این رویداد برآشفته شده یا در سوی دیگر از این‌که درگذشت یکی از پایه‌گذاران صنعت IT (که بسیاری از پیشرفت‌ها و حتی سیستم‌عامل‌های کنونی را مدیون او هستیم)، واکنش درخور توجهی را موجب نشد، افسرده شده‌اید. و می‌دانم که اجزا و مشخصات آی‌فون 4S را بهتر از کف دستتان به خاطر سپرده‌اید. من هم مثل شما هستم. همه این رفتارها از من نیز سرزده است، اما گوش دادن به یک رادیوی تازه تأسیس اینترنتی، دیدی کلی‌تر و کاملاً متفاوت نسبت به همه این رویدادها برای من به ارمغان آورد. آنچه در ادامه می‌خوانید، برداشتی است که من متأثر از قسمت اول «رادیوفنگ» از همه این رویدادها داشته‌ام. البته، احتمال می‌دهم که بسیاری از شما در شرایطی خاص و نه لزوماً کم‌تعداد، به همین موضوعات فکر کرده باشید. در هر حال جمع‌بندی و یادآوری آن‌ها خالی از فایده نخواهد بود.

چرخ بزرگ

در پس همه این اتفاق‌ها و درکنه همه این واکنش‌ها، تنها یک عامل اصلی نهفته است و آن هم چرخش چرخ‌های عظیم اقتصاد بر محور سرمایه‌داری است. نیروی محرکه این چرخ عظیم، گردش سرمایه و کسب سود است. هر محصول تازه و هر فناوری جدید و حتی هر کشف علمی که انجام می‌شود، تکانه‌ای به این چرخ وارد می‌کند که از برآیند آن‌ها دوران این چرخ ادامه می‌یابد یا بر سرعتش افزوده می‌شود. همه بخش‌های اقتصاد، از نفت و معادن و صنایع و بخش خدمات